

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۶، پیاپی ۱۴۶، زمستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۴۱-۱۵

تبیین وضعیت سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها و تصویب نخستین آیین‌نامه بهداشت کارگران در ایران عصر پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۳۲ش)^۱

حسین احمدزاده نودیجه^۲
قباد منصوربخت^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

چکیده

وقوع انقلاب صنعتی و ماشینی شدن تولید اگرچه از سختی تولید و فشار بر جسم انسان تا حدی کاست، اما ساعات کار طولانی، بهره‌کشی شدید و خطرات ناشی از کار با ماشین‌های نایمن اولیه، سلامتی و زندگی کارگران را به شکل روزافزونی مورد تهدید قرار داد. این امر به مسئله‌ای مهم در عرصه تولید صنعتی و زندگی اجتماعی تبدیل شد؛ زیرا آسیب و مرگ زودهنگام کارگران، صدمات فراوانی بر نیروی تولید و پیکره اقتصادی جامعه وارد می‌کرد. واکنش‌های طبیعی کارگران و ظهور اندیشه‌های انتقادی و اصلاحی اندیشمندان مختلف، حمایت از طبقه کارگر و توجه به سلامت و بهداشت کارگران را به مطالبه‌ای جدی در جوامع صنعتی اروپا تبدیل کرد.

ایجاد صنایع جدید، پیدایش کارگر صنعتی و همچنین گسترش اندیشه‌های چپ، منجر به تسری مسئله فوق به کشورهای غیراروپایی از جمله ایران گردید. یافته‌های تحقیق حاضر که براساس ترکیبی از روش علی و عقلانی و عمدتاً بر پایه اسناد و جراید این دوره نوشته شده، نشان می‌دهد که رضاشاه برخلاف سیاست‌های ضد چپ‌گرایانه خویش، تحت فشار مجامع بین‌المللی و افزایش کمی شمار کارگران فعال در بخش صنایع ماشینی، برای نخستین بار به تصویب «نظامنامه کارخانجات و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42271.2725

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.56.1.1

۲. متصدی خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی ج.ا.ا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hossein.ahmadzadeh1986@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران G_mansourbakht@sbu.ac.ir

مؤسسات صنعتی» در ایران اقدام کرد که در عرصه عمل به اجرا درنیامد. با سقوط وی به دست متفقین و فضای نسبتاً باز سیاسی، احزاب چپ‌گرا به‌خصوص حزب توده موفق شدند دولت را وادار سازند تا با استفاده از بستر و زیرساخت اولیه به وجود آمده در دوره رضاشاه، به تدوین نخستین «آیین‌نامه بهداشت کارگران» در ایران تن در دهد.

واژه‌های کلیدی: دوره پهلوی، طبقه کارگر، سلامت کارگران، بهداشت کارخانه‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌ها

مقدمه

انقلاب صنعتی، رشد شتابان صنایع ماشینی و تولید کارخانه‌ای دو دست‌آورد اساسی در پی داشت؛ نخست تولید انبوه و مازاد بر مصرف و دوم، آزادی نسبی جسم و عضلات انسان از سختی و مشقت تولید. در نقطه مقابل، ساعات کار طولانی، بهره‌کشی شدید، فقدان امکانات درمانی کافی و نایمن بودن بسیاری از ماشین‌آلات، باعث فرسودگی شدید جسمی و روحی، بروز انواع بیماری‌های عفونی، مرگ‌ومیر زودرس، نقص عضو و ازکارافتادگی کارگران می‌شد. افزایش مشکلات مزبور منجر به واکنش کارگران و فعالان اجتماعی گردید و مصلحان و متفکران مختلف را به چاره‌جویی برای دستیابی به راهکاری مناسب برای حل مسئله وادار کرد. اندیشه‌های اصلاحی جدید با ظهور مارکس صورت‌بندی جدیدی پیدا کرد و در قالب نظریه‌ای منسجم تدوین شد. در پی گسترش افکار مارکس و با ظهور اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و انقلابی، مطالبات برای تغییر شرایط کار و تولید و همچنین وضعیت بهداشت و سلامت با جدیت بیشتری مجال ظهور و بروز پیدا کرد. با گسترش مطالبات و اعمال فشار بر کارفرمایان، صاحبان صنایع و دولت‌های اروپایی به‌ناچار به وضع قوانین و مقررات مربوط به بهبود وضعیت کارگران در حوزه‌های مختلف تن دادند، اما این مهم در ایران مانند کل فراگرد نوسازی، به صورت وارونه رخ داد؛ به این معنا که پس از رویارویی جامعه سنتی ایران با تمدن صنعتی اروپا و ظهور اندیشه‌های نوین، برخی از منورالفکران در جریان سفر به اروپا، تحت تأثیر وضعیت آنجا، از شرایط خوب کارگران اروپایی و شرایط بد کارگران در ایران سخن گفتند. این امر در شرایطی طرح می‌شد که در این زمان اساساً صنایع ماشینی در ایران شکل نگرفته بود و طبعاً مقوله‌ای به نام طبقه کارگر صنعتی وجود نداشت. با تکوین روشنفکری در دوره مشروطه و ترجمه آثار سوسیالیستی توسط روشنفکران چپ، به‌ویژه پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، مطالبه برقراری حقوقی مشابه

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۷

کارگران صنعتی اروپایی برای کارگران ایرانی طرح شد. این تکاپوهای اولیه صرفاً در محدوده نظر باقی ماند و جز یک نظام‌نامه صنفی و چند اقدام محدود در حمایت از کارگران، به صورت رسمی هیچ قانونی از سوی حکومت وضع نشد.

با روی کار آمدن سلسله پهلوی (۱۳۰۴/۱۹۲۵) و ایجاد صنایع مختلف، نخستین مراحل تشکیل طبقه کارگر در ایران آشکار شد. حاصل این وضع، تکرار تجربه کشورهای صنعتی اروپایی در عرصه کار و تولید صنعتی بود. وقوع حوادث متعدد در کارخانه‌ها و بروز بیماری‌های مختلف ناشی از زندگی و همکاری در محیط‌های جمعی، آسیب‌دیدگی ناشی از بیماری، نامناسب بودن محیط کار و ماشین‌آلات خطرناک، فضای کارگری و اجتماعی ایران را با مسئله جدیدی روبه‌رو کرد. با افزایش کمی کارگران، خطر جذب آنها به احزاب کمونیستی و فشار مجامع بین‌المللی، سرانجام رضاشاه با تصویب «نظام‌نامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» موافقت کرد.

خطری که رضاشاه را مجبور به تصویب نظام‌نامه مذکور کرد، یعنی جذب طبقه کارگر به احزاب چپ، پس از سقوط وی لباس واقعیت پوشید. با حمله متفقین به ایران و سقوط رضاشاه و ایجاد فضای سیاسی نسبتاً باز، گروه‌های چپ‌گرا و حامی کارگران، فعالیت‌های تبلیغاتی و مبارزات قلمی خود را به شدت گسترش دادند. گروه‌های مزبور اصلی‌ترین نقش را در فشار بر دولت و کارفرمایان برای ایجاد قوانین و مقررات جدید در دفاع از حقوق کارگران برعهده داشتند.

مقاله حاضر جستاری در پاسخ به این سؤال است که فراگرد تصویب قانون بهداشت کارگران در دوره پهلوی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۲ش، چگونه و طی چه مراحل به سرانجام رسید؟ این جستار تلاش دارد تا عمده‌تأ با تکیه بر مجموعه‌ای از اسناد و جراید با رویکردی فراگردنگر و بر پایه روش ترکیبی علی-عقلانی، علل و دلایل تأخیر در تصویب آیین‌نامه جامع بهداشت و سلامت کارگران را از یک سو و فراگرد تصویب آن را از سوی دیگر تبیین کند. موضوعی که ابتدای مخالفت با آن در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م. و تسلیم در برابر آن در سال ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م. رخ داد.

این تحقیق بر این فرضیه استوار است که کارفرمایان و پهلوی اول به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما فی‌نفسه به تصویب قوانین بهداشت کارخانه‌ها و سلامت کارگران علاقه چندانی نداشت، اما فشار مجامع بین‌المللی در دوره رضاشاه و فعالیت‌های عملیاتی-تبلیغاتی گروه‌ها و احزاب چپ‌گرا پس از سقوط وی، دولت را به تصویب آیین‌نامه بهداشت کارخانه‌ها و سلامت کارگران مجبور کرد.

پژوهشگران مرتبط با تاریخ کارگری در ایران، عمدتاً به وضعیت سیاسی کارگران، نقش احزاب و جنبش‌های کارگری معطوف شده‌اند. در دهه‌های اخیر گرایش به مسائل اجتماعی مرتبط با کارگران فزونی یافته است. مقاله «صنعت نفت، برآمدن کارگر در ایران»^۱ که در واقع خلاصه فصل اول کتاب در حال تدوین صد سال تاریخ اجتماعی نفت ایران از تورج اتابکی است و ذیل عنوان «از عمده تا کارگر؛ زایش طبقه کارگر در صنعت نفت ایران» به رشته تحریر درآمده است، بیشتر به تکوین تحول و ظهور مفهوم جدید کارگر در ایران، به‌ویژه صنعت نفت و زندگی طاقت‌فرسا و وضعیت بد بهداشتی آنها در قیاس با کارگران خارجی پرداخته است. کاوه رستم‌پور نیز در مقاله «نقش سیاست‌های تأمین مسکن در نارضایتی کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان»^۲ به صورت مختصر و گذرا به وضعیت بد بهداشتی کوی‌های کارگری گریزی زده است. در جستار حاضر تلاش شده است علاوه بر صنعت نفت، به تبیین مسئله سلامت کارگران و بهداشت سایر کارخانه‌ها و تدقیق درباره فرایند تصویب نخستین آیین‌نامه بهداشت کارگران در ایران عصر پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۳۲ش) به مثابه امری مستقل پرداخته شود.

نگاهی به وضعیت سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها در دوره قاجار

تا پیش از تأسیس سلسله پهلوی اول (۱۹۲۵/۱۳۰۴) و توسعه سیاست‌های صنعتی‌سازی کشور توسط رضاشاه، به مسئله ایمنی، سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها در ایران توجه زیادی نمی‌شد. شواهد و مدارک موجود داخلی و خارجی نشان‌دهنده وضعیت بسیار بد و اسفناک شرایط کار و وضعیت بهداشتی محیط پیرامونی کارگران است. ساعت کار طولانی، عاری بودن محیط کار از هرگونه نور و تهویه مناسب، اتاق‌های کثیف و تاریک، کیفیت پایین غذا و پوشاک، فقدان وسایل بهداشتی و ابتلا به انواع بیماری‌ها، از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های محیط پیرامونی کارگران در این دوره بود که به مرگ و میر تعداد زیادی از کارگران منجر شده بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۱، ۱۰۵، ۲۴۸، ۳۵۹ و ۳۶۰، ۳۶۴، ۶۷؛ براون، ۱۳۸۱: ۴۵۳، ۴۵۴؛ رایس، ۱۳۶۶: ۱۰۰، ۱۰۱؛ باربر، ۱۳۶۳: ۱۴؛ عبدالله‌یوسف، ۱۳۶۰: ۱/۱۰۴-۱۱۴؛ حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۱۲، ص ۱؛ حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۲۰، ص ۴؛ حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۳۳، ص ۲؛ حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۴۲،

۱. تورج اتابکی (مهر ۱۳۹۱)، «صنعت نفت و برآمدن کارگر در ایران»، گفتگو، شماره ۶۰، صص ۱۰۷-۱۲۵.

۲. کاوه رستم‌پور (۱۳۹۸)، «نقش سیاست‌های تأمین مسکن در نارضایتی کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در مناطق نفت‌خیز خوزستان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، دوره ۲۹، شماره ۴۳ (پیاپی ۱۳۳)، صص ۵۳-۷۴.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۹

ص ۱؛ حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۴۷، ص ۲؛ ساکما، ۳۳۳-۲۹۰؛ ۵۵۰۷-۲۹۳؛ استادوخ، (GH1339-K59-P5-61).

نگاهی اجمالی به وضعیت کارگران در دو صنعت بزرگ نفت و قالی‌بافی که اولی عمده‌تاً توسط انگلیسی‌ها اداره می‌شد و دومی تحت نظارت کارفرمایان داخلی قرار داشت، مؤید وضعیت نامطلوب محیط کار کارگران ایرانی در عصر قاجار است. درحالی‌که کارگران خارجی شرکت نفت از همه امکانات تفریحی و بهداشتی لازم برخوردار بودند، کارگران ایرانی از داشتن مریض‌خانه و پزشک به تعداد کافی محروم بودند (ساکما، ۱۴۶۵۱-۲۴۰). یک کارگر ایرانی ممکن بود ماه‌ها رنگ گوشت را نبیند و تنها به یک وعده نان و خرما در روز بسنده کند (شاگری، [بی‌تا]: ۱۵۹/۴-۱۶۲).

وضعیت سلامت و بهداشت کارگران صنعت قالی‌بافی که کارفرمایان آن عمده‌تاً ایرانی بودند، از آن هم وخیم‌تر بود. محل کار آنها شبیه به حفره‌های سیاه و کثیف بود. هوای کافی در آن جریان نداشت و از روشنایی لازم برخوردار نبود. این موضوع بینایی کارگران را با مخاطره مواجه کرده بود (کرزن، ۱۳۸۷: ۲/۲۹۹، ۶۲۴؛ شاگری، [بی‌تا]: ۱۰۱/۴، ۱۰۲؛ ساکما، ۳۳۳-۲۹۰؛ عبدالله‌یف، ۱۳۶۰: ۱/۱۰۴). محل نشستن کارگران کوتاه، مورب و ناخوش توصیف شده است (ساکما، ۳۳۳-۲۹۰). به لحاظ ایمنی و بهداشت، میان خردسالان و سالخوردگان تفاوت چندانی وجود نداشت و هر دو به لحاظ بدی شرایط کار، در وضعیت یکسانی به سر می‌بردند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۰۱، ۲۰۲). اطفال کارگر فعال در این صنعت اغلب «قدکوتاه، ضعیف و نحیف بود[ند]» (حقیقت، ۱۳۰۰: ش ۲، ص ۱). بسیاری در عنفوان جوانی از کار می‌افتادند و علیل و فلج می‌شدند (ساکما، ۲۹۳/۶۴۴۶).

نخستین نکاپوهای ایرانیان برای تدوین حقوق بهداشتی کارگران در دوره قاجار

نخستین بار منورالفکران ایرانی دوره قاجار که از طریق سفر به اروپا و آشنایی با ترجمه آثار روشنفکران سوسیالیست اروپایی، با تکوین طبقه کارگر صنعتی در اروپا و حقوق موضوعه آنها آشنا شده بودند، به نظریه‌پردازی درباره حقوق کارگران به‌طور اعم و حق بهبود وضعیت سلامت و بهداشت آنها به‌طور اخص پرداختند (احمدزاده، ۱۳۹۸: ۵۹-۶۹).

پس از پیروزی نهضت مشروطیت در ایران (۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م) و باز شدن فضای سیاسی کشور، رشد و گسترش انجمن‌ها، احزاب و جراید وابسته به اندیشه‌های چپ سوسیالیستی، چاپ رساله‌ها و اعمال فشار بر دولت‌های پسامشروطیت، مطالباتی نظیر تحدید ساعت کار، تعطیلی یک روز در هفته با حقوق و رعایت اصول ایمنی و بهداشتی کارگران و کارخانجات و

۲۰ / تبیین وضعیت سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها و تصویب نخستین ... / احمدزاده نودیجه و ...

غیره، به گفتمانی غالب تبدیل شد (شاگری، ۱۹۷۴: ۶/۱، ۷، ۸، ۱۰۷؛ اتحادیه، [بی‌تا]: ۷، ۸، ۴۱، ۵۰-۵۲، ۱۱۳، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۸۹، ۱۹۰؛ فخرائی، [بی‌تا]: ۵۸، ۵۹؛ بهار، ۱۳۸۶: ۱/۲۲، ۱۲۳).

کارگران مطابِع در ایران برای نخستین بار ضمن مقایسهٔ خویش با کارگران غربی، در بسیاری از شئون -از جمله بهداشت و سلامت- خواهان برابری با هم‌تایان غربی خویش شدند (اتفاق کارگران، ۱۳۲۸: ش ۱، ص ۳، ۴). کارگران این صنعت اغلب (ژولیده مو، زردرنگ و لاغر) توصیف شده‌اند که چشم‌هایشان گود افتاده بود و دور میزهای خود خسته و خواب‌آلود، در محیطی که فاقد هوای آزاد بود و نفس کشیدن در آن مشکل می‌نمود، «از سر شب تا به صبح» مشغول به کار بودند. بسیاری از آنها در عنوان جوانی به سل مبتلا می‌شدند و جان خود را از دست می‌دادند. به گفتهٔ «روزنامه کار» ارگان وابسته به حزب کمونیست ایران، محیط کار این کارگران به گونه‌ای بود که اگر آدم سالم تنها چند دقیقه در آنجا توقف می‌کرد، از کثافت و تنگی هوا دچار سرگیجه می‌شد (کار، ۱۳۰۱: ش ۴، ص ۳، ۴).

کوتاه بودن عمر دولت‌های مشروطه و فقدان برنامهٔ جامع توسط کابینه‌ها، ملتهب بودن فضای سیاسی کشور، وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۷) و درگیر شدن ایران در این جنگ بزرگ، فقدان کارگر صنعتی، اوضاع ناآرام ناشی از کودتای ۱۲۹۹ش/۱۹۲۱م. و فقدان قانون رسمی و مدون کار تا روی کار آمدن سلسلهٔ پهلوی اول، سبب شد مسئلهٔ ایمنی، بهداشت و سلامت کارگران محدود به رساله‌ها، بیانیه‌ها، شعارهای تبلیغاتی احزاب و انجمن‌ها گردد و جز چند اقدام محدود از سوی دولت و خودجوش از سوی اصناف کارگری و شرکت‌های خارجی، اقدام خاصی در این راستا صورت نگیرد. از جملهٔ این اقدامات می‌توان به تدوین اولین نظام‌نامه برای کارخانه‌های قالی‌بافی و بهبود وضعیت کارگران (مفاد ۶ تا ۹) در زمان ریاست وزرای قوام اشاره کرد که در پی عضویت ایران در جامعهٔ ملل و فشار ادارهٔ بین‌المللی کار بر دولت ایران تدوین شد (احمدزاده و منصوربخت، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۸).

پس از تصویب این نظام‌نامه، نسخه‌ای از آن برای والیان ایالات به منظور «مراعات حفظ‌الصحه و بهبودی شرایط کارگران قالی‌بافی» که مطابق با «مقررات و احکام مذهب مقدس اسلام» بود، ارسال شد. طبق دستور دولت:

ماده	توضیحات
۶	کارفرمایان باید از استخدام کارگران مبتلا به امراض مسری اجتناب ورزند.
۷	کارفرمایان باید از دایر کردن کارخانه‌های قالی‌باقی در زیر زمین‌ها و محل‌های مرطوب خودداری و پنجره‌های کارگاه را طوری تعبیه نمایند که آفتابگیر باشد.
۸	سطح کارگاه تقریباً یک ذرع از سطح زمین بالاتر و نشستگاه اطفال مرتفع‌تر باشد تا در هنگام کار راحت‌تر باشند.
۹	رئیس حفظ‌الصحه و یا طبیب بلدیه مکلف خواهند بود ماهی یک مرتبه از کارخانه‌های قالی‌باقی بازدید و در صورت مشاهده هرگونه نقض و خلافی، موضوع را به مقامات اطلاع دهند.
۱۰	اجرای مفاد فوق بر عهده اداره نظمیته ولایات نهاده شده و در صورت تخلف و عدم رعایت موارد فوق، دولت مبلغ ده الی پنجاه تومان جریمه نقدی یا یک الی بیست روز حبس برای فرد خاطی در نظر گرفته بود.

(ساکما، ۵۵۰۷-۲۹۳؛ استادوخ، ۲۱-۱/۱/۱۶۲-۱۳۱۱/۱/۱/۱۶۲-۲۲؛ ش ۱۳۱۱/۱/۱/۱۶۲؛ ش ۱۳۱۱/۱/۱/۱۶۲-۲۳)

(ش ۱۳۱۱/۱/۱/۱۶۲-۲۳)

سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها پس از تأسیس سلسله پهلوی

با تأسیس سلسله پهلوی (۱۳۰۴/ش ۱۹۲۵م) و سیاست‌های اقتصادی حکومت مبنی بر صنعتی‌سازی کشور، صنایع و کارخانه‌های ماشینی رو به گسترش نهاد و به تبع آن، اولین هسته‌های کارگر صنعتی در ایران ظهور کرد (فلور، ۱۳۷۱: ۳۷، ۳۸، ۴۱-۴۸؛ فوران، ۱۳۷۷: ۳۵۱-۳۵۳؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۸۲، ۱۸۳؛ ساتن، [بی‌تا]: ۳۰۱). رشد فزاینده کارگران و عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار در ۹ دی ۱۳۰۰/۳۰ دسامبر ۱۹۲۱ و فشار مجامع جهانی موجب شده بود مسئله بهداشت و سلامت کارگران در کنار سایر حقوق موضوعه، به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت تبدیل شود. افزون بر این، سلسله پهلوی اول در تقابل با ایدئولوژی‌ها و مکاتب چپ و احزاب حامی طبقه کارگر و به منظور جلوگیری از افتادن کارگران به دام تبلیغات آنها، خود در زمینه فراهم کردن بسترهای لازم در زمینه بهداشت و سلامت کارگران پیشگام شد (احمدزاده و منصوربخت، ۱۳۹۸: ۷-۴۰).

به همین منظور، به دستور دولت در مورخ ۱۳ تیر ۱۳۰۶/۵ جولای ۱۹۲۷ کمیسیونی در وزارت مالیه تشکیل شد که نتیجه آن تدوین سواد نظام‌نامه کارگران بود. فصل دوم این نظام‌نامه به صورت اختصاصی به موضوع سلامت و بهداشت کارگران می‌پرداخت. پس از تدوین این نظام‌نامه، نسخه‌ای از آن ترجمه و برای صنایعی که کارفرمایان آن خارجی بودند، ارسال شد (ساکما، ۲۴۰/۶۱۷۸). طبق فصل دوم این نظام‌نامه (۱۴-۲۳) که در واقع صورت

تکمیلی و مترقی نظام‌نامه کارگران قالی‌بافی مصوب در زمان ریاست وزررای قوام بود، کارفرمایان می‌بایست از ورود کارگران مبتلا به بیماری‌های مسری جلوگیری می‌کردند؛ کارخانه‌ها باید دارای پنجره‌های کافی برای تأمین نور مکفی و آفتاب بوده باشند؛ از تأسیس کارخانه‌ها در مکان‌های مرطوب باید اجتناب می‌کردند؛ محل استقرار کارگران باید متناسب با شغل و نحوه فعالیت آنها بوده باشد و در صورت رطوبت زمین، باید محل نشستن کارگران از سطح زمین بالاتر واقع می‌شد؛ ساختمان کارخانه باید از استحکام کافی برخوردار و هوای کارخانه تمیز و دارای تهویه مناسب بود؛ اقدامات پیشگیرانه در کارخانه‌هایی که امکان نشت گاز و بخار وجود داشت، به عمل می‌آمد؛ اتاق کار کارگران باید از نظافت کافی برخوردار بود؛ کارگران باید هنگام کار از البسه و کفش‌های مخصوص استفاده می‌کردند و پیش از انجام کارهایی که ریسک آن بالا بود، حتماً اقدامات احتیاطی را لحاظ می‌کردند؛ و در نهایت اینکه کارفرمایان آب مناسب برای مصرف روزانه کارگران را فراهم می‌کردند (ساکما، ۱۳۱۷/۲۴۰).

اقدامات پهلوی اول برای بهبود و ارتقای وضعیت سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها، به این نظام‌نامه محدود نماند. برخی از وزارتخانه‌ها نظیر وزارت طرق و شوارع به صورت اختصاصی قوانینی را در راستای بهبود وضعیت بهداشتی کارگران خویش در قالب «نظام‌نامه صندوق احتیاط» در مورخ ۹ مرداد ۱۳۱۰/۱ اوت ۱۹۳۱ وضع کردند که بیشتر به موضوع بهداشت کارگران، کارخانه‌ها و بیمه‌های اجتماعی می‌پرداخت. ولی این قوانین تنها شامل حال کارگران وزارت طرق و شوارع می‌شد و کارگران سایر بخش‌ها از این امتیازات حداقلی محروم بودند (استادوخ، ۱، ۲۷/۸/۱۳۱۷ ش؛ ۲، ۲۷/۸/۱۳۱۷ ش؛ ۳، ۲۷/۸/۱۳۱۷ ش؛ ۴، ۲۷/۸/۱۳۱۷ ش؛ ۵، ۲۷/۸/۱۳۱۷ ش؛ ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰).

با افزایش درخواست کارگران سایر بخش‌ها نظیر راه‌آهن (ساکما، ۴۶۳۶/۲۹۰۰۰)، دولت تلاش کرد «نظام‌نامه صندوق احتیاط» را به سایر کارگران، کارکنان کنتراتی و روزمزد شاغل در کارخانه‌های دولتی و بنگاه‌های صنعتی و معادن، شیلات و راه‌آهن نیز تسری دهد. این موضوع در مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۲/۴ مه ۱۹۳۳ مورد صحنه هیئت وزیران نیز قرار گرفت و کارگران بیشتری مشمول این حقوق شدند (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰).

در این دوره، برخی از کارخانه‌ها نظیر کارخانه وطن اصفهان به مدیریت «کازرونی» که در بسیاری از اصلاحات مرتبط با کارگران نظیر آموزش، ورزش و بهداشت همواره پیشگام بود (اطلاعات، ۱۳۱۵: ش ۲۷۹۷، ص ۱)، به صورت محدود خدماتی از قبیل استخدام پزشک، دایر کردن بهداری، معاینه و معالجه کارگران و بستگان درجه اول آنان را ارائه کردند و آب آشامیدنی لوله‌کشی را برای کارگران تدارک دیدند و به سوزاندن کثافات، نظیف کارخانه و

دادن دفترچه سلامت به کارگران همت گماردند (ساکما، ۳۸-۲۹۱).

با وجود این، شواهد و قراین بسیاری موجود است که علی‌رغم تهیه نظام‌نامه‌های فوق و اقدامات فردی برخی از کارفرمایان، وضعیت بهداشتی کارگران و کارخانه‌ها در دوره پهلوی اول بسیار وخیم بوده است. گزارش رئیس شهربانی اصفهان از وضعیت نامناسب سلامت و بهداشت کارخانه رحیم‌زاده در اصفهان (ساکما، ۳۲۸۴/۲۹۱) و راپورت «عیسی یانس» رئیس هنرستان رنگرزی، مؤید این امر است. در این گزارش‌ها، محوطه برخی از کارخانه‌ها فوق‌العاده کثیف و اتاق‌ها فاقد نور و هوای پاک توصیف شده است. فضای کار متعفن و چوب‌های بافندگی آکنده از گرد و خاک بود. کارگران این کارخانه‌ها عمدتاً «دارای قیافه‌های پژمرده و رنگ و روی زرد و چته ضعیف و اغلب نیز علی‌ل بودند». به دلیل پراکندگی این کارخانه‌ها، عملاً امکان نظارت بر آنها وجود نداشت (ساکما، ۳۲۸۴-۲۹۱).

گزارش‌های رسیده به اداره بین‌المللی کار مبنی بر نقض اصول بهداشتی در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، سبب شد این اداره فشار بیشتری را بر حکومت ایران برای بهبود وضعیت کارگران اعمال کند. به همین منظور رضاشاه از طریق نماینده خود در ژنو خواهان ارسال نسخه‌ای از قانون کار ترکیه و مصر گردید تا از طریق مطالعه و بررسی آن، قانون کار مشابهی را در ایران تدوین کند (استادوخ، ۱- ۷/۸/۱۱/۱۳۱۲؛ ۲- ۷/۸/۱۱/۱۳۱۲؛ ۳- ۷/۸/۱۱/۱۳۱۲؛ ۴- ۷/۸/۱۱/۱۳۱۲).

دولت با تکیه بر نظام‌نامه‌های تدوین‌شده پیشین داخلی و قوانین ارسالی ترکیه و مصر و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای برآمده از توسعه و رشد کارخانه‌ها و کارگران، «نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» را در ۱ مرداد ۱۳۱۵/۲۳ ژوئیه ۱۹۳۶ که مشتمل بر ۶۹ ماده بود، به تصویب رساند. فصل سوم (مقاد ۱۱-۳۱) به موضوع «حفظ الصحه» کارگران و وظایف کارفرمایان نسبت به کارگران در زمینه بهداشت و سلامت اختصاص داده شد:

ماده	توضیحات
۱۱	تأمین و رعایت «حفظ صحت مزدوران و اعضاء کارخانه».
۱۲	نظافت کارخانه و گرد و غبار روبی.
۱۳	تهویه هوای داخل کارخانه.
۱۴	تنظیم سیستم روشنایی برای حفظ چشم مزدوران.
۱۵	استفاده از سیستم حرارتی مناسب.
۱۶	تهیه آب خنک و اختصاص ظرف مخصوص آشامیدن و طهارت.
۱۷	تهویه فضای درونی کارخانه از سموم و گازها.
۱۸ و ۱۹	استفاده از تجهیزات ایمنی نظیر کفش، عینک و صداگیر حین کار.
۲۰	معاینه کارگران و اطمینان از سلامت کارگران پیش از استخدام.
۲۱ و ۲۲	مرخصی به زنان باردار و اختصاص اتاق شیردهی به اطفال.
۲۳	دفع و جلوگیری از ورود حشرات موذی به محیط کارگاه.
۲۴	استفاده از لباس کار و تعویض آن در پایان ساعت کار.
۲۵	تعبیه وسایل نظافت نظیر روشویی، صابون و حوله.
۲۶	تعبیه صندلی و کرسی برای رفع خستگی کارگران.
۲۷	تعبیه ظروف مسی و لعابی برای پرهیز از انداختن آب دهان و بینی بر روی زمین.
۲۸	ضدعفونی کردن محیط.
۲۹	ممنوعیت استعمال مشروبات الکلی.
۳۰	ایجاد پست امدادی و اتاقک معالجه فوری.
۳۱	در نظر گرفتن جریمه برای خاطیان شامل دو الی پنج روز حبس یا ۲۰ الی ۵۰ ریال وجه نقد.

(ساکما، ۲۴۰/۳۲۵۱۱؛ ۲۴۰/۹۴۰۳۱)

از تصویب نظام‌نامه فوق و گنجاندن مفاد (۱۱-۳۰) که مرتبط با بهداشت و سلامت کارگران بود، می‌توان به عنوان گامی رو به جلو در دوره پهلوی یاد کرد. اقدامات پسندیده‌ای نیز در این راستا توسط کارفرمایان بعضی از کارخانه‌ها، نظیر شرکت سهامی ریسندهی و بافندگی پشم اصفهان، کارخانه زاینده‌رود، وطن و شهررضا صورت گرفت (ساکما، ۲۹۱/۳۲۸۴؛ ۱۵۳۷-۲۹۳-۹۸). با وجود این، چنان‌که «الول ساتن» هم اشاره کرده است، اگرچه این نظام‌نامه «اولین قانونی بود که دولت ایران برای بهبود اوضاع کارگران از مجلس شورای ملی گذراند» و وضع کارگران را تا حدی بهبود بخشید، ولی همچنان ناقص بود و تا تبدیل

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۲۵

شدن به قانون کار بسیار فاصله داشت (ساتن، [بی تا]: ۳۰۷). برخی از محققان نیز بر این باورند که این قانون صرفاً بر روی کاغذ ماند و صورت اجرایی نیافت (لاجوردی، ۱۳۶۹: ۱۰۵).

وضعیت بهداشتی کارخانه‌ها پس از سقوط رضاشاه (دهه ۲۰ شمسی)

شواهد و قراین تاریخی بسیاری اظهارات ساتن و لاجوردی را تأیید می‌کند و حاکی از آن است که گستره عملی این قوانین دست‌کم در زمینه رفاه، سلامت و بهداشت کارگران چندان وسیع و پایدار نبوده است (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲). تنها پنج سال پس از تصویب «نظامنامه کارخانجات و موسسات صنعتی»، با ورود متفقین به ایران در سال ۱۹۴۱/۱۳۲۰ رضاشاه پهلوی مجبور به استعفا گردید. با خلع رضاشاه از سلطنت و فروپاشی قدرت مرکزی در ایران، به مدت یک دهه یکپارچگی سیاسی از ایران رخت بست و بسیاری از قوانین مصوب مرتبط با کارگران، از جمله حقوق بهداشتی آنها به تعلیق درآمد.

در این دوره، قانونی که به تنظیم مناسبات بین کارگر و کارفرما می‌پرداخت، وجود نداشت (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲). با توجه به اینکه کارفرمایان «قدر و قیمتی برای کارگران قائل» نبودند، به سلامتی، بهداشت و مخاطرات موجود در محیط کار نیز توجهی نداشتند و به مطالبات کارگران وقعی نمی‌نهادند (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۶، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲؛ پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴). بنا بر اظهارات نماینده وزارت پیشه و هنر، کارفرمایان «حفظ الصحه را در کارخانه‌ها مراعات» نمی‌کردند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۵، ص ۲) و در صورت مریضی و نقص عضو کارگران، به دلیل تعدد نیروی کار فعال در جامعه، فوراً آنها را جایگزین می‌کردند. این رویکرد سبب شده بود «بهداشت و آسایش کارگران برای صاحب‌کار جز کلمات مبتذل و لوکس مفهوم دیگری» نداشته باشد (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲).

گزارش جامع سفیر بریتانیا نیز که ذیل عنوان «وضعیت کارگران»، تنها دو سال پس از سقوط رضاشاه تدوین شده بود، دلالت بر وضعیت بد کارگران در همه وجوه، از جمله سلامت و بهداشت دارد. سفیر در قسمتی از گزارش خود نوشته است: «عملاً هیچ تدابیر ایمنی برای تضمین سلامتشان در کار نبود و در صورت آسیب دیدن کارگر هیچ غرامتی پرداخت نمی‌شد» (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۱۷۷، ۱۷۸). برخی از کارفرمایان برای خلاص شدن از شر کارگران مریض و علیل، آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و یا از طریق پرونده‌سازی، کارگران را از کار اخراج می‌کردند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۱۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۶۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۴۳، ص ۶؛ ساکما، ۲۹۳/۵۸۵۸۱).

به نقل از جراید این دوره، «هیچ بنگاهی نمی‌توان یافت که از لحاظ بهداشتی حتی ۵۰

درصد وظایف خود را انجام دهد» (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲). ۷۵ درصد تلفات بنگاه‌های صنعتی و معدنی در این دوره، به علت عدم رعایت بهداشت ذکر شده است (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲). این ارقام و آمار سراسر بیش از آنکه مبتنی بر داده‌های آماری متقن باشد، عمدتاً زاینده ذهن مؤلفان است، ولی توصیفات جزئی جراید داخلی و اسناد در زمینه بهداشت کارخانه‌ها و سلامت کارگران نیز مؤید وضعیت وخیم و اسفناک کارگران به لحاظ بهداشتی است.

محیط کار کارگران در دهه ۲۰ عمدتاً تنگ، کوچک، تاریک، متعفن، آلوده، کثیف، مرطوب و بد آب‌وهوا توصیف شده است (ساکما، ۲۹۳/۵۸۵۸۱: مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۵، ص ۳؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۸۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۴۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۶۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۴: ش ۶۰۸، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۸، ص ۳؛ ظفر، ۱۳۲۵: ش ۳۵۴، ص ۱؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۶، ص ۴؛ ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱۶، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۱، ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۹، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۹، ص ۲). محل نشستن کارگران در بعضی از کارگاه‌ها، به‌ویژه قالی بافی و مطایع بسیار بد بود. بیشتر کارخانه‌ها فاقد دستگاه تهویه هوا و وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب بودند. این مسئله باعث حرارت بالا، سرما و نوسان فشار هوا در محیط کار شده بود (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۶، ص ۲؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۴). کارگران اغلب دچار مشکلات بینایی بودند؛ چشمانشان آب آورده بود و حتی برخی در اثر کار زیاد کور شده بودند (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۴۶، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۲). نور و اصوات شدید (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۶، ص ۲) و نداشتن عینک محافظ چشم (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۱، ص ۳) نیز مزید بر علت شده و مشکلات عدیده‌ای را به لحاظ بصری برای کارگران به وجود آورده بود.

تشعشع گازهای سمی و نامطبوع، نظیر اسید سولفوریک، اکسید و کربن (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۱۳، ص ۳)، وجود انواع حشرات موذی مانند شپش (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲) و مالاریا (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۷، ص ۴؛ ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱۶، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۲؛ ساکما، ۳۸۰-۰۰۳۳۴۴) نفوذ سرب، روی، جیوه، فسفر و گرد و غبار، از دیگر معضلاتی بود که سلامت کارگران را با خطرات جدی مواجه ساخته بود (ساکما، ۲۹۳/۵۸۵۸۱: مردم، ۱۳۲۱:

ش ۲۰۵، ص ۱؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۵، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۱۳، ص ۳؛ پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۴).

کارگران برخی از بنگاه‌ها مانند نفت آبادان، خط راه آهن و شهرداری باید ساعات طولانی را زیر آفتاب سوزان تابستان و برف و بوران زمستان از بام تا شام کار می‌کردند (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۶، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۸، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۷۰، ص ۱، ۴). بعضی از کارگران جان خویش را زیر بهمن از دست می‌دادند (ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۶، ص ۴). کار طاقت‌فرسا در محیط‌های گرم و سوزان باعث شده بود کارگران فعال در نواحی جنوبی کشور عمدتاً از ریخت و قیافه بیفتند. صورت کارگران در جنوب مانند «تکه استخوانی بود که گویی ورقه لاستیکی بر روی آن کشیده باشند». چشم‌ها گود، پوست‌ها سیاه و سوخته و لب‌ها در اثر تشنگی ترکیده بود (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۵، ص ۲).

پیامد کار در چنین شرایطی، ابتلای کارگران به انواع و اقسام بیماری‌های جسمی، تنفسی، ریوی، پوستی، واگیردار و عفونی، نظیر سل، کزاز، آگزما، سرطان، تیفوس، رماتیسم، حصبه، تراخم، کچلی، سالک، خناق، مننژیت و برونشیت مزمن و ذات‌الریه بود (ساکما: ۲۹۳/۵۸۵۸۱؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ ظفر، ۱۳۲۵: ش ۳۵۴، ص ۱؛ پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۷، ص ۱، ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۲، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۰۸، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۱، ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۹، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱، ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۵۴، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۴).

کارگران شاغل در بخش قالی‌بافی، معادن سنگ، سیمان، زغال سنگ، چینی‌سازی، کوزه‌گری، پنبه و پشم‌ریسی اغلب به علت خاک و ذرات معلق در هوا دچار بیماری‌های چشمی و ریوی شده بودند (پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۲). استفاده از ماسک ضد گاز و ضد گرد در این دوره رایج نبود (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲). در بدن کارگران معادن به علت کار در عمق زیاد و هوای گرم، ابتلا به نوعی کرم موسوم به انکیلوستوم گزارش شده است (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲). کارگران برخی از صنایع به علت ایستادن و نشستن بیش از حد دچار واریس، ورم، زخم دست و ساق پا شده بودند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۶، ص ۲). در کارخانه کبریت‌سازی، بیشتر کارگران ناخن‌های خود را به علت اصطکاک زیاد با چوب کبریت از دست داده بودند؛ گویی که از مادر بی‌ناخن متولد شده بودند (ساکما،

۲۹۳۰۰۵۶۵۴). در کارخانه دخیانیات یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کارخانه‌های ایران و کارخانه سیلو کارگران گاهی انگشت خود را به علت عدم برخورداری دستگاه‌ها از استانداردهای لازم از دست داده بودند (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۹، ص ۱، ۴). گزارش‌های شوکه‌کننده‌ای از کتک زدن کودکان کارگر نخریسی (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲) و تعرض جنسی به زنان کارگر از سوی کارفرمایان در قزوین ثبت شده است (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۲، ص ۲).

در این دوره، بسیاری از کارخانه‌ها فاقد گرمابه بودند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۶۹، ص ۲)؛ امکان استحمام و نظافت مرتب بدن و البسه برای بیشتر کارگران مهیا نبود (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴). بعضی از کارگران مجبور بودند به دلیل فقدان حمام در محل کار، فرسنگ‌ها طی کنند تا بتوانند برای نظافت به نزدیک‌ترین حمام برسند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۶۹، ص ۲). برخی نیز به‌ناچار با آب سرد نظافت می‌کردند و به همین دلیل همواره دچار سرماخوردگی می‌شدند (کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۴). این موضوع باعث شده بود برخی کارگران در خارج از کارخانه و حتی موقع خواب هم لباس‌های کار را از تن بیرون نیاورند و در نتیجه، حامل میکروب در بین اعضای خانواده خود می‌شدند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴؛ پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴).

علاوه بر محیط کار ناسالم، محل سکونت و منزل کارگران نیز به لحاظ بهداشتی وضعیت بسیار اسفناکی داشت. در بعضی از مناطق چند کارگر در یک اتاق ارزان، تاریک و مرطوب که در یکی از محله‌های بسیار کثیف و پر از گرد و خاک شهر واقع شده بود، سکنی گزیده بودند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۲، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۸۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۴۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۰۸، ص ۳). برخی از کارگران شب‌ها در تونل می‌خوابیدند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲). زندگی در این مناطق، کارگران را مستعد انواع و اقسام بیماری‌های مسری کرده و باعث شده بود بیماری را به خانواده خویش منتقل کنند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴).

ساعت کار طولانی، بالا رفتن هزینه‌های زندگی، درآمد پایین کارگران و عدم پرداخت به‌موقع دستمزدها سبب شده بود آنها همواره در تأمین مایحتاج زندگی روزمره خود در مضیقه باشند (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۵، ص ۳؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ ظفر، ۱۳۲۵: ش ۳۵۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۸۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۶۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۱۳، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۶، ص ۳). کافرمایان برخلاف قانون، از دادن شیر به کارگران خودداری می‌کردند (ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۳).

فرار کارفرمایان از پرداخت حق معاش و خواروبار نیز باعث سختی هرچه بیشتر معیشت و سلامت کارگران شده بود (ظفر، ۱۳۲۴: ش ۱۰۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۰۸، ص ۳). بعضی از کارگران نان برای خوردن نداشتند (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۶، ص ۴؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۷، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۱، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۳، ص ۳، ۴). نان مصرفی بعضی از کارگران از خمیر خاک اره و هسته خرماي آسیاب شده طبخ می شد (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۰۸، ص ۳). طبق گزارش ها، بعضی از کارگران مجبور بودند در روزهای تعطیل قید استراحت را بزنند و در محل کار حاضر شوند و برخی دیگر برای تأمین مایحتاج روزانه، حتی مجبور به فروش لوازم و وسایل خانه خویش شده بودند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۸، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۳، ص ۳، ۴).

نداشتن غذای کافی و تغذیه مناسب (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴)، آلودگی آب شرب و فقدان آب آشامیدنی در محل کار (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۵، ص ۲؛ ساکما، ۲۰۰۶-۲۰۰۷: ۲۴۴)، سلامت کارگران را با مخاطرات جدی روبه رو ساخته بود. ناهار برخی از کارگران به حدی بد طبخ می شد که قابل خوردن نبود (ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۱۱، ص ۱). نداشتن غذای مناسب و بدون کالری بودن تغذیه کارگران، باعث روی آوردن برخی از آنها به الکل برای تأمین انرژی لازم برای انجام کار شده بود (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴). طبق گزارش ها غذاهایی که به کارگران داده می شد، بعضاً فاقد گوشت بود و روغن به کار رفته در آن فاسد شده بود (کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۷۲، ص ۲). رنگ کارگران از فقر و گرسنگی، زرد و پریده بود و اغلب دارای چهره های استخوانی، نحیف و لاغر اندام بودند و لباس هایشان ژنده، پوسیده و مندرس توصیف شده است (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۹، ص ۴؛ نامه مردم، ۱۳۲۷: ش ۴۱۵، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۱، ص ۱، ۲).

در دهه ۲۰ شمسی بیشتر کارخانه ها فاقد بهداری بودند و کارگران از نداشتن پزشک، پرستار، دارو و وضعیت بد بهداری رنج می بردند (پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۴، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۰۰، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۴۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۲۰۳، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ رهبر،

۱۳۲۳: ش ۲۶۵، ص ۳؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۶۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۶۶، ص ۱؛ ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۱۱، ص ۱؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۵، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۶، ص ۳؛ ساکما، ۱۳۳۴-۰۰۳۳۴۴-۰۰۳۵؛ ۳۸۰-۰۰۳۳۴۴-۰۰۳۵؛ ۳۸۰-۰۰۳۳۴۴-۰۰۵۷؛ ۳۸۰-۰۰۳۳۴۴-۰۰۵۷). بعضی از پزشکان هرگاه تمایل داشتند در محل کار حاضر می‌شدند (کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۴) و برخی دیگر تنها یک ساعت آن هم به صورت «فرمالیته» (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳) و بعضی تنها روزهای تعطیل «برای خالی نبودن عریضه» به کارخانه‌ها سر می‌زدند (کارگر آزاد، ۱۳۳۰: ش ۴، ص ۱). رؤسای برخی از بیمارستان‌ها با وجود انعقاد قرارداد با بیمه‌های کارگری، از دادن خدمات به آنها خودداری می‌کردند (ساکما، ۱۳۳۱/۱۰۸۵۴). گزارش دقیق یکی از شاهدان عینی از وضعیت غذای بیمارستان‌های کارگری که با جزئیات کامل تشریح کرده، «نفرت‌آمیز» توصیف شده است (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۵۰، ص ۲). رفتار بعضی از پزشکان با کارگران همراه با تبختر بود و گاهی بنا بر میل شخصی، از معالجه بیماران اجتناب می‌کردند (ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۴۰، ص ۲). گاهی قرص‌ها و داروهای داده شده به کارگران فاسد شده بود (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱). بعضی از دکترها از یک نسخه واحد و داروی یکسان برای مرهم نهادن بر همه زخم‌ها و دردها، فارغ از تفاوتی که میان امراض وجود داشت، استفاده می‌کردند (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۵، ص ۲). هنگام شیوع بیماری مسری میان کارگران، عملاً هیچ‌گونه برنامه‌ای برای مهار آن وجود نداشت (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲). کارگران به دلیل دستمزد پایین قادر به خرید دارو نبودند و این موضوع باعث افزایش مرگ و میر بین آنها شده بود (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱). ارائه خدمات پزشکی به کارگران خارجی و ایرانی با تبعیض همراه بود (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶). کارگران با وجود پرداخت بیمه، هنگام مریضی و حادثه، از خدمات درخوری برخوردار نمی‌شدند (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۵، ص ۲). این فقدان پزشک، وسایل پزشکی و حمل و نقل در محل کار باعث شده بود کارگران در صورت آسیب دیدگی دچار نقص عضو شوند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲). بعضی از کارگران که برای درمان راهی شهر می‌شدند، به علت هزینه‌های سرسام‌آور دارو و درمان و همچنین کرایه راه و محل اقامت، دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شدند (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۴۰، ص ۲) و حتی مجبور به فروش وسایل منزل خود می‌شدند (ساکما، ۱۳۳۴-۰۰۳۳۴۴-۰۰۵۷؛ ۳۸۰-۰۰۳۳۴۴-۰۰۵۷). بعضی از کارگران نیز به دلیل نداشتن پول دارو تلف می‌شدند (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳).

براساس اظهارات فعالان حوزه کارگری در جراید چپ، کارگران در بعضی از مشاغل به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۳۱

دلیل سختی کار در عنفوان جوانی جان می سپردند (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۹، ص ۲). میانگین عمر و میزان امید به زندگی کارگران به دلیل وضعیت بد بهداشتی بین ۲۰ الی ۳۰ و نهایتاً ۳۵ تا ۴۰ سال ذکر شده است (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۲، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲).

فعالیت‌های احزاب چپ‌گرا و تدوین آیین‌نامه بهداشت کارگران

وضعیت نامطلوب کارگران به‌طور اعم و وضعیت نامساعد و غیربهداشتی کارخانه‌ها و کارگران به‌طور اخص باعث شد فعالان، حامیان طبقه کارگر و احزاب چپ‌گرا، به‌خصوص حزب توده از فضای باز ناشی از سقوط رضاشاه بهره لازم را ببرند و از طریق جراید و ارگان‌های وابسته به خود، تبلیغات گسترده و دامنه‌داری را به منظور بهبود وضعیت بد کارگران به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی به راه بیندازند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۱۶، ص ۲).

روشنفکران و احزاب حامی طبقه کارگر، از طریق نگارش کتب، رساله و مقالات درصدد برآمده بودند تصویر جدیدی از کارگر مدرن ایرانی در دنیای معاصر خلق کنند که یکی از شاخصه‌های مهم آن حفظ جان و رعایت سلامت و بهداشت کارگران بود (احمدزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۲-۲۰۶). آنها به شکل اغراق‌گونه‌ای مدعی شده بودند که تا پیش از این به کارگران به مثابه غلامان و بردگان قدیم نگریسته می‌شد که از حقوق زیادی برخوردار نبودند (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۰۰، ص ۱). جان کارگر کمترین ارزش را داشت (رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶)؛ کارفرمایان برای سلامتی کارگران ارزش چندانی قائل نبودند و جان آنها از حیوانات بی‌ارزش‌تر بود (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۶، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۰۵، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۶۶، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۴: ش ۵۹۷، ص ۲).

با اهمیت یافتن کارگران از منظر اقتصادی در جامعه و معرفی این طبقه به مثابه «طبقه اصلی اجتماعی و رهبران نهضت آزادی‌بخش» (رنج، ۱۳۳۰: ش ۹، ص ۴)، «مهم‌ترین سرمایه مولد هر کشور» (کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۲)، «تولیدکنندگان اصلی ثروت و نیروی اصلی تبدیل‌کننده نیروی کار به ارزش» و «تأمین‌کننده قسمت عمده مالیات» (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۳، ص ۱؛ ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۲۲، ص ۱)، «رکن اول هر مملکت و عاملان رشد و ترقی» (رهبر، ۱۳۲۲: ش ۵۰، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۸، ص ۱)، موضوع حقوق طبقه کارگر ایرانی از جمله رفاه، آسایش، سلامت و بهداشت آنها، به یکی از دغدغه‌های اصلی احزاب چپ در ایران تبدیل شد.

در تفسیر جدید، سلامت کارگران به اندازه سالم بودن ماشین‌آلات کارخانه‌ها حائز اهمیت

گردید و وفور محصول و کیفیت آن منوط به سلامت کارگران شد. از همین رو، «به همان اندازه که برای سلامت دستگاه کوشش می‌شود و آن را مرمت می‌کنند»، لازم است که کارفرمایان به بهداشت و سلامت کارگران خویش توجه کنند و در صورت بیماری و حادثه دیدن آنها را درمان کنند؛ زیرا یک کارگر به مانند یک ماشین خوب دارای ارزش است (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۱، ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۱، ص ۳؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۸، ص ۱).

احزاب و ارگان‌های چپ‌گرا با توجه به اینکه کارگران در شرایط دشواری مشغول به کار بودند و در نتیجه، احتمال ابتلا به بیماری و آسیب‌دیدگی آنها بیشتر بود، به تأسی از همه کشورهای متمدن غربی که از دیرباز به اصول بهداشتی و وضعیت زندگی کارگران توجه بیشتری می‌کردند و قوانین بسیاری را در راستای حمایت از آنها وضع کرده بودند (رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴؛ پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۸، ص ۴)، در صدد برآمدند از طریق صدور بیانیه‌ها، اعتصاب و فشار به دولت‌های مستعجل وقت و کارفرمایان، به تدوین لوایح مرتبط با امور کارگران پردازند. در این راستا قطعنامه‌های متعددی صادر کردند (رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۰۰، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۲۳، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۵۹، ص ۱؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۷۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۷۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۷۷، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۹، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۲، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۶۱، ص ۵؛ ساکاما، ۲۴۰/۳۷۵۲؛ ۲۹۳۰۰۵۶۵۴؛ ۰۰۳۳۴۴-۳۸۰).

از جمله مهم‌ترین مطالبات مرتبط با مسائل ایمنی، سلامت و بهداشت کارگران، می‌توان به وسعت و اندازه محل کار، روشنی و تمیزی محیط پیرامونی، تعبیه پنجره و هواکش، دادن لباس کار یا حق پوشاک، اختصاص اتاق‌هایی مجزا برای پوشیدن لباس کار، شست‌وشوی لباس و لوازم شخصی، ناهارخوری، ساختن حمام در محل کار، استفاده از ظروف شخصی و جداگانه، دادن شیر و غذای مقوی، دادن یک وعده غذای گرم یا دست‌کم در نظر گرفتن اتاقی برای گرم کردن غذا، تهیه آب آشامیدنی، ایجاد پست بهداشتی در کارخانه‌ها، استفاده از وسایل ایمنی هنگام کار، برخورداری از مرخصی استعلاجی با حقوق، بیمه پیری، مرض و بیکاری، معاینه ماهیانه کارگران، کاهش ساعت کار به ۸ ساعت در روز، منع کار کودکان زیر چهارده سال و کار زنان در شب و حق خواروبار اشاره کرد (مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱؛ ظفر، ۱۳۲۴: ش ۱۰۵، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۰۰، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۲۳، ص ۲؛ رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۹، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۹، ص ۴؛ رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲؛ مردان روز، ۱۳۲۵: ش ۷۲، ص ۴، ۵؛ مردان

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۳۳

روز، ۱۳۲۵: ش ۷۵، ص ۵؛ مردان روز، ۱۳۲۵: ش ۷۸، ص ۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۳، ص ۲،
۴؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱، ۲؛ کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۳).

فشار احزاب و صدور قطعنامه‌های مکرر، به تدریج زمینه را برای تدوین قوانینی به منظور بهبود وضعیت بهداشت کارگران فراهم کرد. براساس مطالعات صورت گرفته، می توان پیشنهاد شرکت بیمه ایران به مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ را به عنوان نخستین پیشنهاد به منظور ارتقای بهبود وضعیت درمانی و بهداشتی کارگران در ایران پس از سقوط رضاشاه -در شهریور ۱۳۲۰- نام برد. شرکت بیمه ایران با برشمردن عواملی نظیر توسعه و ترقی صنایع، افزایش شمار کارگران، حفظ و رعایت مصالح اجتماعی و تأمین عدالت، سختی کار کارگران و اینکه نسبت به سایر طبقات در معرض انواع و اقسام حوادث، بیماری و مرگومیر بیشتری قرار دارند، بسته پیشنهادی خود را تسلیم مجلس شورای ملی کرد که شامل هزینه‌های درمان، نقص عضو و فوت کارگران بود (ساکما، ۲۴۰/۳۷۵۲).

مجلس در مورخ ۳۰ آبان ۱۳۲۲ / ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ قانون بیمه کارگران دولتی و غیردولتی را در راستای بهبود وضعیت سلامت کارگران در ۴ ماده به تصویب رساند (ساکما، ۳۱۰۰۰۱۳۸۷) که موضوع آن از عهده این مقاله خارج است و توسط پژوهشگر دیگری به طور مبسوط به آن پرداخته شده است (Schayegh, 2006: 4/39, 539-568). محمدرضا پهلوی شاه جوان نیز طی حکمی با توشیح خویش، خواستار تسریع اجرای قانون فوق گردید (ساکما، ۳۰۰۰۴۲۴۱).

تقریباً یک سال بعد، در خرداد ۱۳۲۳/۱۹۴۴ وزارت بازرگانی و پیشه و هنر «در تعقیب اجرای برنامه دولت و اصلاح بهبود وضع کارگران و تعیین وظایف و حدود و مناسبات آنان با کارفرمایان» لایحه‌ای ۲۱ ماده‌ای را تقدیم مجلس شورای ملی کرد. در ماده ۸ این لایحه، کارفرمایان موظف بودند طبق آیین‌نامه‌ای که در زمینه بهداشت تصویب شده بود، بسترهای لازم را برای سلامت کارگران و بهداشت کارخانجات مهیا سازند (ساکما، ۲۴۰/۱۴۶۱۸).

دو ماه بعد یعنی در مرداد ۱۳۲۳ / ژوئن ۱۹۴۴ وزارت بازرگانی و پیشه و هنر سرانجام «آیین‌نامه بهداشت کارگران» را طبق ماده ۴ قانون بیمه، مصوب آبان ۱۳۲۲ (ساکما، ۲۴۰/۹۳۱۶۱)، اختصاصاً در ۲۵ ماده تنظیم و به تصویب دولت رساند. این آیین‌نامه که بعدها پایه و اساس قانون سلامت و بهداشت کارگران و کارخانه‌ها گردید و در قانون کار ۱۹۴۹/۱۳۲۸ و سپس ۱۹۵۳/۱۳۳۲ نیز مورد استناد قرار گرفت (ساکما، ۲۴۰/۲۶۵۹)، در واقع صورت مفصل و اقتباس شده از «نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» مصوب مرداد ۱۹۳۶/۱۳۱۵ در دوران پهلوی اول بود.

ماده	توضیحات
۱	در ساختمان کارنجات باید نکات زیر رعایت شود: الف: اختصاص ده متر مکعب فضا به هر کارگر ب و د: ساختن سقف و بدنه از گچ، آهک، ساروج و سیمان و عایق‌بندی به منظور جلوگیری از رطوبت ج: داشتن درب و پنجره کافی برای تأمین روشنایی و تهویه ه: اختصاص یک مستراح به هر سی نفر کارگر و تفکیک مستراح های زنانه و مردانه؛ ضمناً محل مستراح باید دور از محل کار و ضدعفونی باشد.
۲	اختصاص محلی مناسب برای استراحت آن دسته از کارگرانی که محل سکونت آن‌ها در شهرها و آبادی‌های دور از محل احداث کارخانه است.
۳	تهویه هوای کارخانه دو بار در روز.
۴	تهیه و خرید لوازم و امکانات مقابله با حریق.
۵	تأمین نور مناسب برای پرهیز از آسیب دیدن چشم کارگر.
۶	تدارک وسایل گرمایی و گرمایشی متناسب با فضای کارخانه.
۷	تنظیف کارخانه در ساعات غیرکاری.
۸	تأمین آب آشامیدنی پاکه تصفیه شده و خنک و اختصاص ظروف آب بخوری مخصوص هر فرد.
۹	ساعت حمام در کارخانه به ازای هر ۵۰ نفر با نظارت بهداشتی کارخانه.
۱۰	استفاده از ماسک در کارخانه‌هایی که با گاز، دود و بخره مضره و نیز ذرات پشم و پنبه سر و کار دارند.
۱۱ و ۱۲	تدارک وسایل ایمنی لازم از قبیل کفش، لباس و جوراب برای کارگرانی که در جاهای مرطوب و نمناک مشغول به کار هستند و عینک برای کارگرانی که در قسمت کوره، جوشکاری، رنگرزی و حلاجی مشغول به کار هستند.
۱۳	معاینه کارگران قبل از استخدام و اعراج کارگران معناد.
۱۴	دادن مرخصی زایمان با حقوق به زنان یا تشخیص پزشک (دو ماه).
۱۵	استفاده از روپوش مخصوص کار.
۱۶	اختصاص ظروف لعابی یا مسی دارای محلول ضدعفونی برای انداختن آب دهان و بینی (سلفدان)
۱۷	ممنوعیت استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدره در کارخانه‌جات.
۱۸	واکسینه کردن کارگران در هنگام شیوع بیماری.
۱۹	لحاظ کردن اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از ابتلای کارگران به ملاریا.
۲۰	اختصاص یک اتاق یا پست امدادی به همراه دارو و لوازم کار و اختصاص پزشک به موسسات با بیش از ۱۰۰ نفر و پزشک‌یار به کارگاه‌هایی با کمتر از ۱۰۰ نفر.
۲۱	ساعت آسایشگاه به همراه وسایل کافی برای استراحت کارگران در هنگام فراغت و صرف غذا.
۲۲	مراقبت از وسایل استحفاظی کارگران در مقابل ماشین‌آلات و تمویض آن‌ها در صورت خرابی.
۲۳	کاستن از ساعات کار آن دسته از کارگرانی که با مشاغل سخت و پرخطر سر و کار دارند.
۲۴	مجبور کردن کارفرمایان به اجرای آئین نامه.
۲۵	وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مأمور نظارت بر اجرای آئین نامه هستند.

نتیجه گیری

ظهور انقلاب صنعتی و پیامدهای بی سابقه آن در تاریخ اروپا، اگرچه فراگرد تولید را در پی آورد، اما ساعات کار طولانی و طاقت فرسا، نامناسب بودن محیط کارخانه‌ها و وجود آلودگی‌های مختلف و نایمنی ماشین‌های تولید، موجبات بیماری‌های مختلف و مرگ زودرس کارگران کارخانه‌ها را فراهم ساخت. این مسئله واکنش‌های مصلحان و متفکران اجتماعی را برانگیخت و اصلاح وضع موجود را به مطالبه جدی کارگران و حامیان اجتماعی آنان تبدیل کرد. حاصل این مطالبه، وضع قوانین حمایتی از کارگران و تغییر شرایط کار و تولید بود.

انتقال صنایع جدید و ایجاد کارخانه‌های متعدد در ایران، به‌طور طبیعی تکرار تجربه اولیه کشورهای صنعتی اروپای غربی را به دنبال داشت. در آغاز رضاشاه در برابر اصلاحات مذکور شدیداً مقاومت کرد، اما با فشار مجامع بین‌المللی سرانجام در سال ۱۳۱۵/۱۹۳۶ مجبور به تصویب «نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» شد. این نظام‌نامه تأثیر عملی چندانی بر وضعیت کارگران نداشت. با سقوط رضاشاه به دست متفقین و ایجاد فضای سیاسی نسبتاً باز در دهه ۲۰، فعالان و حامیان حقوق کارگر که عمدتاً به گروه‌های چپ‌گرا تعلق داشتند، مبارزات قلمی و تبلیغاتی گسترده‌ای را در این باره آغاز کردند و با صدور قطعنامه، برگزاری اعتصابات و فشار بر دولت، موفق شدند نخستین آیین‌نامه بهداشت کارگران را در سال ۱۳۲۳/۱۹۴۴ به تصویب برسانند. در آغاز، مخالفان در برابر این مصوبه به مانند بسیاری از مصوبات دیگر مقاومت‌هایی از خود بروز دادند و در مرحله عمل از انجام تعهدات خود شانه خالی کردند، اما سرانجام «آیین‌نامه بهداشت کارگران» پایه تمام مصوبات و قوانین اجرایی بعدی در زمینه بهداشت در دوره پهلوی شد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.

_____ (۱۳۹۴)، *مردم در سیاست ایران*، ترجمه بهرنگ رجیبی، تهران: نشر چشمه.

اتحادیه، منصوره [بی‌تا]، *مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی*، تهران: نشر تاریخ ایران.

احمدزاده، حسین (۱۳۹۸)، «تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر (۱۲۸۵-۱۳۳۲ش)»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

۳۶ / تبیین وضعیت سلامت کارگران و بهداشت کارخانه‌ها و تصویب نخستین ... / احمدزاده نودیجه و ...

احمدزاده، حسین و قباد منصوربیخت (زمستان ۱۳۹۸)، «اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران»، گنجینه اسناد، دوره ۲۹، شماره ۴ (پیاپی ۱۱۶)، صص ۷-۴۰.

شاکری، خسرو [به کوشش] (۱۹۷۴)، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، ج ۱، فلورانس: مزدک، چاپ دوم.

_____ [بی‌تا]، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی

ایران، آثار آ. سلطان‌زاده، ج ۴، [بی‌جا]: مزدک.

باربر، جولیان (۱۳۶۳)، اقتصاد ایران، تهران: [بی‌نا].

براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ماهریز.

بهار (ملک‌الشعرا)، محمدتقی (۱۳۸۶)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چاپ هفتم.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، ایران و ایرانیان: ایران و سرزمین و مردم آن، ترجمه کیکاووس

جهانداری، تهران: خوارزمی، چاپ دوم.

ساتن، الول [بی‌تا]، رضاشاه کبیر یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، [بی‌جا]: [بی‌نا].

عبدالله‌یف (۱۳۶۰)، «کارگران ایران در اواخر قاجاریه»، کتاب آگاه: مسائل ایران و خاورمیانه، ترجمه

مارینا کاظم‌زاده. ج ۱، تهران: آگاه.

فخرائی، ابراهیم [بی‌تا]، سردار جنگل؛ میرزا کوچک‌خان، [بی‌جا]: جاویدان.

فلور، ویلم (۱۳۷۱)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (۱)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از

انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

کرزن، جورج ناتیل (۱۳۸۷)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران:

انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

رایس، کلارا کلیور (۱۳۶۶)، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، تهران:

آستان قدس.

لاجوردی، حبیب (۱۳۶۹)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه ضیاء صدقی، تهران:

نشر نو.

ب. اسناد

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

۱۳۱۱ / ۱ / ۱۶۲ - ۲۱	۱۳۱۱ / ۱ / ۱۶۲ - ۲۲	۱۳۱۱ / ۱ / ۱۶۲ - ۲۳
۱۳۱۲ / ۷ / ۸ / ۱۱ - ۱	۱۳۱۲ / ۷ / ۸ / ۱۱ - ۲	۱۳۱۲ / ۷ / ۸ / ۱۱ - ۵
۱۳۱۷ / ۸ / ۸ / ۲۷، ۱	۱۳۱۷ / ۸ / ۸ / ۲۷، ۲	۱۳۱۷ / ۸ / ۸ / ۲۷، ۳
۱۳۱۷ / ۸ / ۸ / ۲۷، ۴	۱۳۱۷ / ۸ / ۸ / ۲۷، ۵	۶۱ - پرونده ۵ - کارتن ۵۹-۱۳۳۹ ق

۲. سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)

۲۴۰/۳۷۵۲	۲۴۰/۲۶۵۹	۲۴۰-۱۴۶۵۱
۲۴۰/۲۰۳۰۰	۲۴۰/۱۱۵۹۶	۲۴۰/۶۱۷۸
۲۴۰/۹۴۰۳۱	۲۴۰/۹۳۱۶۱	۲۴۰/۳۲۵۱۱
۲۹۰-۳۳۳	۲۴۴-۰۰۰۶۹۴	۲۴۰۰۱۴۶۱۸
۲۹۱/۳۲۸۴	۲۹۱-۳۸	۲۹۰۰۰۴۶۳۶
۲۹۳/۱۰۸۵۴	۲۹۳/۵۸۵۸۱	۲۹۳/۶۴۴۶
۳۱۰۰۰۰۱۳۸۷	۲۹۳-۵۵۰۷	۲۹۳-۲۰۱۹
۳۸۰ -۰۰۳۳۴۴ -۰۰۵۷	۳۸۰-۰۰۳۳۴۴-۰۰۳۵	۲۹۳۰۰۵۶۵۴
۲۷۰۰۰۰۲۶۷	۳۰۰۰۴۲۴۱	۹۸-۲۹۳-۱۵۳۷

ج. نشریات

اتفاق کارگران، ۱۳۲۸: ش ۱، ص ۳، ۴	ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۶، ص ۴	ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۷، ص ۴
ارزش کار، ۱۳۳۰: ش ۱۱، ص ۱	ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱۶، ص ۱	ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۳
ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۴	ارزش کار، ۱۳۳۱: ش ۲۲، ص ۱	اطلاعات، ۱۳۱۵: ش ۲۷۹۷، ص ۱
پند، ۱۳۲۳: ش ۵، ص ۴	حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۲، ص ۱	حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۱۲، ص ۱
حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۲۰، ص ۴	حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۳۳، ص ۱	حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۴۲، ص ۱
حقیقت، ۱۳۰۰، ش ۴۷، ص ۲	رنج، ۱۳۳۰، ش ۹، ص ۴	
رهبر، ۱۳۲۱: ش ۴، ص ۴	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۵، ص ۴	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۶، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۱: ش ۷، ص ۱، ۴	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۸، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۲، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۱: ش ۲۵، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۴، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۶، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۱: ش ۳۹، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۳، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۶، ص ۴	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۴۹، ص ۴
رهبر، ۱۳۲۲: ش ۵۰، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۸۴، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۰۰، ص ۱
رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۰۵، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۲۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۲: ش ۱۴۶، ص ۱
رهبر، ۱۳۲۲: ش ۲۰۳، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۴، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۵۵، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۶۵، ص ۳	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۲۶۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۰۰، ص ۴
رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۱۶، ص ۱، ۲	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۲۳، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۵۹، ص ۱
رهبر، ۱۳۲۳: ش ۳۷۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۶۶، ص ۱	رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۷۵، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۳: ش ۴۷۷، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۴: ش ۵۹۷، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۴: ش ۶۰۸، ص ۴
رهبر، ۱۳۲۵: ش ۶۹۴، ص ۶	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۱۳، ص ۳	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۵، ص ۲
رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۴۹، ص ۲	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۲، ص ۴	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۸، ص ۳
رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۵۹، ص ۴	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۷۶۱، ص ۵	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۰۸، ص ۳
رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۱۳، ص ۳	رهبر، ۱۳۲۵: ش ۸۴۳، ص ۶	ظفر، ۱۳۲۴: ش ۱۰۵، ص ۲

ظفر، ۱۳۲۵: ش ۳۵۴، ص ۱	کار، ۱۳۰۱، ش ۴، ص ۳، ۴	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۱۷، ص ۲، ۳
کارگر آزاد، ۱۳۳۱، ش ۱۹، ص ۱، ۴	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۰، ص ۱، ۲، ۳	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۱، ص ۱، ۲، ۳
کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۸، ص ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۲۹، ص ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۳، ص ۲، ۴
کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۵، ص ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۸، ص ۱، ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۳۹، ص ۲
کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۴۰، ص ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۱: ش ۵۴، ص ۲	کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۳، ص ۳، ۴
کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۵، ص ۱، ۳، ۴	کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۶، ص ۳	کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۶۸، ص ۱، ۴
کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۷۰، ص ۱، ۴	کارگر آزاد، ۱۳۳۲: ش ۷۲، ص ۲	مردان روز، ۱۳۲۵: ش ۷۲، ص ۴، ۵
مردان روز، ۱۳۲۵: ش ۷۵، ص ۵	مردان روز، ۱۳۲۵: ش ۷۸، ص ۴	مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۰۵، ص ۱
مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۵، ص ۳	مردم، ۱۳۲۱: ش ۲۱۶، ص ۳	نامه مردم، ۱۳۲۷: ش ۴۱۵، ص ۱

د. منابع لاتین

Schayegh, C. (2006), "The Development of Social Insurance in Iran: Technical-Financial Conditions and Political Rationales, 1941-1960", *Iranian Studies*, 39 (4), pp.539-568.



List of sources with English handwriting

Books and Articles

- Abrahamian, Ervand. (1382/2003). *"Iran between two revolutions"* (11th ed.). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [Persian]
- Abrahamian, Ervand. (1394/2015). *"People in Iran's politics"*. Translated by Behrang Rajabi. Tehran: Chešmeh. [Persian]
- Atabaki, Touraj (2012). "Oil industry and the emergence of workers in Iran". *Goftegoo*. No 60. 107-125. [Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh (n. d.). *"The manifestos and constitutions of Iranian political parties in the second term of the National Council"*. Tehran: Našr-e tāriḳ-e Iran. [Persian]
- Ahmadzadeh Nojideh, hoseyn (1398/ 2019) *"The history of the emergence and evolution of the new concept of worker in contemporary Iran: 1332-1285. PhD Thesis. Tehran: Department of History, Shahid Beheshti University.*
- Ahmadzadeh Nojideh, H., Mansorbakht, G. (1398/2019). "International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran". *Ganjine-ye Asnād*. 29(4), 6-40. [Persian]
- Polak, Jakob Edward (1368/1989). *Persien: Das Land und seine Bewohner: ethnographische Schilderunge*. Translated by Keykavoos Jahandari. Tehran: kārasmī. [Persian]
- Shakeri, Khosro. (1974). *"Historical documents of Iran's labor movement, social democracy and communism."*. (vol. 1) (2nd ed.). Felorans: Mazdak. [Persian]
- Shakeri, Khosro. (n. d.). *"Historical documents of Iran's labor movement, social democracy and communism."*. (vol. 4) . Felorans: Mazdak. [Persian]
- Abdullayev. (1360/1981). *"Iranian workers in the late Qajar period". Knowledgeable book: Iran and the Middle East issues"*. Translated by Marina Kazemzadeh. Tehran: Āgāh. [Persian].
- Bharier, Julian. (1363/1984). *Economic development in Iran, 1900-970*. Tehran [Persian]
- Brown, Edvard Granville (1381/ 2002). *One Year Among Iranian*. Translated by Mani Salehi Allameh. Tehran: Mahrīz. [Persian].
- Bahār, Malek ul-šo'arā. (1386/2007). *"Tāriḳ-e moḳtašar-e Ahzāb-e Sīāsī-ye Iran: Enqerāz-e Qājārieh"*. (vol. 1) (7th ed.). Tehran: Amīr Kabīr.
- Rostam Pour, Kaveh (2019). "The Role of Housing Policies in the Dissatisfaction of Workers of Anglo Iranian Oil Company in Khuzestan Oilfields". *History of Islam and Iran*. 29(43), 53-74.
- Sutton, Elwell. (n. d.). *Reza Shah or new Iran*. Translated by Abd Al-Azim Sabouri. [Persian]
- Tatari, Ali. (Fall 1383/2004). "A Research on the first charter for Iran's carpet- weavers labor union, Kerman City. *Ganjine-ye Asnād*, 14 (3), pp. 94-103. [Persian]
- Fakhraei, Ebrahim (n.d.). "Sardār-e jangal: Mīrzā koočak kān" (n. p.). Javidan. [Persian]
- Floor, Willem. (1371/1992). *Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani* (vol. 8). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- Foran, John. (1388/2009). *Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Mo'assese-ye ḳadamāt-e Farhangī-ye Rasā. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1387/2008). *Persia and the Persian question* (vol. 2) (6th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmī Farhangī. [Persian]
- Kelara, Rice (1366/1987). *Iranian women and their life*. Translated by Asadollah Azad. Tehran: Astān Qods Razavī.
- Lajevardi, Habib (1369/1990). "Labor unions and autocracy in Iran". Translated by Zia Sedghi. Tehran: Našr-e No. [Persian]

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārīk-e Diplomāsī-ye Vezārat-e Omūr-e kārēje (Ostādox), Year, Box, Folder, Document number):

- Year 1339AH/ 1920 AD, Box 59, Folder 5, Document number 61
- Year 1311SH/ 1932 AD, Box 1, Folder 1, Document number 21-162
- Year 1311SH/ 1932 AD, Box 1, Folder 1, Document number 22-162
- Year 1311SH/ 1932 AD, Box 1, Folder 1, Document number 23-162
- Year 1312SH/ 1933 AD, Box 7, Folder 8, Document number 1-11
- Year 1312SH/ 1933 AD, Box 7, Folder 8, Document number 2-11
- Year 1312SH/ 1933 AD, Box 7, Folder 8, Document number 5-11
- Year 1312SH/ 1938 AD, Box 8, Folder 8, Document number 27-4
- Year 1312SH/ 1938 AD, Box 8, Folder 8, Document number 27-5

Sāzmān-e Asnād va Ketābkāne-ye Mellī-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

240- 14651	240- 2659	240- 3752
240- 6178	240- 11596	240- 20300
240- 32511	240- 93161	240- 94031
240014618	244- 000694	290- 333
290004636	291- 38	291- 3284
293- 6446	293- 58581	293- 10854
293- 2019	293-5507	3100001387
293005654	380-003344-0035	380- 003344-0057
293-98-1537	30004241	270000267

Press

Ettefaq-e kargarān (1910), No 1, p 3,4	Arzesh-e Kār (1951), No 6, p 4	Arzesh-e Kār (1951), No 7, p 4
Arzesh-e Kār (1951), No 11, p 1	Arzesh-e Kār (1952), No 16, p 1	Arzesh-e Kār (1952), No 17, p 3
Arzesh-e Kār (1952), No 20, p 4	Arzesh-e Kār (1951), No 22, p 1	Eftelā'āt (1937 AH), No 2797, p 1.
Pand (1944), No 5, P 4.	Haqiqat (1921), No 2, P 1.	Haqiqat(1921), No 12, P 1.
Haqiqat(1921), No 20, P 4.	Haqiqat(1921), No 33, P 1,4.	Haqiqat(1921), No 42, P 1.
Haqiqat(1921), No 47, P 2.	Donyā (1977) No - , P 58-63.	Ranj (1951), No 9, P 4.
Rahbar (1942), No 4, P 4.	Rahbar (1942), No 5, P 4.	Rahbar (1942), No 6, P 2.
Rahbar (1942), No 7, P 1,4.	Rahbar (1942), No 8, P 2.	Rahbar (1942), No 22, P 2.
Rahbar (1942), No 25, P 2.	Rahbar (1942), No 34, P 1.	Rahbar (1942), No 36, P 2.
Rahbar (1942), No 39, P 2.	Rahbar (1943), No 43, P 1.	Rahbar (1943), No 46, P 4.
Rahbar (1943), No 49, P 4.	Rahbar (1943), No 50, P 2.	Rahbar (1943), No 84, P 1.
Rahbar (1943), No 100, P 1.	Rahbar (1943), No 105, P 1.	Rahbar (1943), No 129, P 2.
Rahbar (1943), No 146, P 1.	Rahbar (1943), No 203, P 1.	Rahbar (1944), No 254, P 2.
Rahbar (1944), No 255, P 2.	Rahbar (1944), No 265, P 3.	Rahbar (1944), No 269, P 2.
Rahbar (1944), No 300, P 4.	Rahbar (1944), No 316, P 1,2.	Rahbar (1944), No 323, P 2.
Rahbar (1944), No 359, P 1.	Rahbar (1944), No 379, P 2.	Rahbar (1944), No 466, P 1.
Rahbar (1944), No 475, P 2.	Rahbar (1944), No 477, P 2.	Rahbar (1945), No 597, P 2.
Rahbar (1945), No 608, P 4.	Rahbar (1946), No 694, P 2.	Rahbar (1946), No 813, P 3.
Rahbar (1946), No 758, P 3.	Rahbar (1946), No 759, P 4.	Rahbar (1946), No 761, P 5.
Rahbar (1946), No 808, P 3.	Rahbar (1946), No 813, P 3.	Rahbar (1946), No 843, P 6.
zafar (1945), No 105, P2.	zafar(1946), No 354, P1	Kār (1922), No 4, P 3,4
Kārgar-e Āzād (1952), No 17, P 2,3.	Kārgar-e Āzād(1952), No19,P 1,4.	Kārgar-e Āzād(1952), No20, P 1-3.
Kārgar-e Āzād(1952), No 21, P 1-3.	Kārgar-e Āzād(1952), No 28, P 2.	Kārgar-e Āzād(1952), No 29, P 2.
Kārgar-e Āzād(1952), No 33, P 2,4.	Kārgar-e Āzād(1952), No 35, P 2.	Kārgar-e Āzād (1952), No38,P 1,2.
Kārgar-e Āzād(1952), No 39, P 2.	Kārgar-e Āzād(1952), No 40, P 2.	Kārgar-e Āzād(1952), No 54, P 2.
Kārgar-e Āzād(1953), No 63, P 3,4.	Kārgar-e Āzād(1953), No65, P1-4.	Kārgar-e Āzād(1953), No 66, P 3.
Kārgar-e Āzād(1953), No 68, P 1,4.	Kārgar-e Āzād(1953), No70, P 1,4.	Kārgar-e Āzād(1953), No 72,P 1,4.
Mardān-e rūz (1946), No 72, P 4,5.	Mardān-e rūz(1946), No 75, P 5.	Mardān-e rūz(1946), No 78, P 4.
Mardom(1942), No 205, P 1.	Mardom (1942), No 215, P 3.	Mardom (1942), No 216, P 3.
Nāmeḥ-emardom (1948), No 415,P 1.		



The Condition of Labors' Health and Factories Hygiene and the Enactment of the First Labors' Health Code in Iran during the Pahlavi Era (1925-1953)¹

Hossein Ahmadzadeh Nodjeh²
Ghobad Mansourbakht³

Received: 2022 /12/27
Accepted: 2023/04/20

Abstract

Although the Industrial Revolution and the mechanization of factories reduced the harshness of production and the pressure on the human body to some degree, long hours, intense exploitation, and the dangers of working with unsafe early machinery increasingly affected workers' health and lives. This became a major issue in production and social life, as worker injury and early death caused great damage to the productive forces and economic structure of society. The natural reaction of workers and the emergence of critical and reformatory ideas of various thinkers made the support of the proletariat and attention to the health and hygiene of workers serious demands in the industrial societies of Europe.

The creation of modern industries and the emergence of industrial labor, as well as the spread of leftist ideas, led to the spread of the problem to non-European countries, including Iran. The results of the study, based on a combination of causal-rational methods and relying mainly on archival documents and the contemporary press, show that contrary to his leftist policies, Reza Shah, under pressure from international forums and the increasing number of workers in the machine industry, for the first time adopted the "Regulation of Factories and Industrial Establishments" in Iran, but it was not put into practice. After the overthrow of Shah Reza by the Allies and a relatively open political atmosphere, the leftist parties, especially the Tudeh Party, succeeded in forcing the government to draft the first "Health Law for Workers" in Iran.

Keywords: Pahlavi era, Proletariat, Labor's Health, Factories Hygiene, Laws and Regulation.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42271.2725

2. Official Curator, the Treasury of National Jewells, the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran. (Corresponding Author),
Hossein.ahmadzadeh1986@gmail.com

3. Associate professor, History, Beheshti University, Tehran, Iran, G_mansourbakht@sbu.ac.ir
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493